



سطر ۳







هو

تبدیات مترجم السلطنه

معاون سابق قونسولگری دولت فخیمه فرانسه

در بوشهر و مفتش حالیه در اداره

مالیه فارس صاحب نشان شیر و خورشید

و نشان طلای علمی از درجه اوّل

دولت علیه ایران صاحب نشان مدال

افتخار و نشان صاحب منصب آکادمی دولت

فخیمه فرانسه

سنه ۱۳۳۱

در مطبع محمدی شیراز بطبع آمد



این پندیات را از جهة تهذیب ابتدائی اخلاق

و اطوار اطفال خودم

میرزا علی محمد خان

میرزا آقا خان

میرزا ابراهیم خان

و میرزا اکبر خان



مرتب نمودم چون دیدم خالی از فایده نمیباشد لزوما

در صدد طبع آن برآمدم تا نوبادگان برادران دینی و وطنی

خودم هم از مطالعه اشش بهره مند گردند



بسم الله الرحمن الرحیم

فصل اول در آداب لباس پوشیدن و سایر عادات شخصی

نور چشمان عزیز من —— اولاً در پرستش معبود خود و پیروی احکام شرع مبین که آئین ماست غفلت نورزید —— هرگز نماز و روزه را چنانچه اصول و فروع دین و سایر آداب مذهبی را بشما در مدرسه معلم محترمتان آموخته منسی ننمائید —— هرگز غفلت از تمیزی و پاکیزه گی نکنید —— مخصوصاً پیراهن و زیر جامه را نگذارید چرکت شوند که جهة بدن و مزاج مضر است —— در شست و شو و نظافت بدن و لباس نهایت دقت بکار برید —— هفته دو مرتبه اقلاً استحمام نمائید —— هرگز نگذارید ناخنها بلند شوند —— هنگام وضو گرفتن یا در حمام جوف ناخنها خوب بشوئید

نه بینی نه گوش و نه ناخن خود را در مجلس پس نگیرید — جهة
رفع این حوائج بجای خلوتی بروید — عطریات زننده
استعمال نکنید که مضرند — لباسهای غیر معمول مملکت و
مذهب خودتان نپوشید که غیر مشروع و منهایت مذموم است
پارچه های رنگارنگ نپوشید — چون لباس مرد باید
ساده و یکرنگ باشد — لباسی که باید پوشید و نزد بزرگان
رفت برحسب رسوم حالیه باید سیاه باشد — کلاه را نه چندان
پیش و نه چندان عقب نگذارید — با لباس خانه در کوچه
حرکت نکنید — عیالات ما باید از اسراف در زینت آلات
طلائی احتراز بجویند مثلا بعد از زینت زنانه مختصری کافی و مابقی
باید در دست مردم رواج داشته باشد که اسباب سهولت
امور و ازدیاد ثروت مملکت بشود — ظروف نقره و طلا



که بتعاون

که بقانون شرع انور استعمالشان حرامست لهذا باید بزرگان
از استعمال آنها مطلقا احتراز کنند تا متوسطین نیز بواسطه پیروی
وهم چشمی بایشان خودرا بعسرت وخلاف شئون نیفکنند — چون طلا و نقره
باید بطور نقود در دست مردم رایج باشند — با کفش کثیف
از خانه بیرون نروید — کفشی که می پوشید و نزد بزرگان
میروید باید برحسب عادت مملکت سیاه باشد با رنگ دیگر از
ادب خارج است — در مجالس عزای سید الشهدا و مجالس
فاتحه بالباس سیاه بروید — نه چندان سریع و نه چندان
بطیئی حرکت کنید — و تهارا استحکام راه رفتن بی اندازه
حرکت ندهید — با دست در جیب شلوار یا جیب قبا و
جلیقه حرکت نکنید — در کوچه آوازه نخوانید — فریاد نکنید
اگر کسی را میخواهید تا ممکن است او را بفریاد نگاه ندارید بلکه قدم را

سذ برداشته تا باو برسید — قهقهه و صداهای بلند نخندید
در مجلس یا در حضور کسی دهن دره نکنید — دهن را خیلی باز نگاه
نذارید که برای مزاج مضر است — هرگز اظهار کسالت در مجلس
نکنید — اگر کسالت دارید بهتر آنست که از خانه بیرون نیائید
دست اتصال بسر و صورت و ریش و سبیل خود نکشید —
همه را محرم راز قرار ندهید — با هر کس حتی دوستان
خیلی بیباکانه و بیملاحظه صحبت نذارید — در خانه یا در اطاق
کسی بدون اجازه و اطلاع داخل نشوید حتی در اطاق پدر
مادر زن شوهر اولاد دوست وغیره و همچنین
در جائیکه موعود بی اجازه داخل نشوید — ماوای هر کس را
مختص بخودش دانسته احترام بگذارید — در منزل هیچکس
با عصا و سیگار داخل نشوید — عصا را باید بیرون از در

گذارد – کاغذ کسی را که جائی افتاده باشد برنداید بخواند
کسی که چیز مینویسد نگاه روی دست او نکنید – سر بکیف
کسی را هرگز باز نکنید – کاغذ دیگری را از پستخانه باسم آنکه
برایش ببرید نگیرید – جائیکه نشسته اید یا بکسی که صحبت میداید
با چیزی بازی نکنید – دو نفر که آهسته صحبت میدارند
گوشها را فرا نفهمید نگاه نکنید – نسبت به بزرگان زیاده
اظهار حقارت و فروتنی کنید و نه بازیر دستان نخوت
و تکبر بخرج دهید – وقتیکه دهستان بوی سیر یا پیاز
میدهد جلو کسی نروید –

فصل دویم در سر سفره

هنگامیکه چه شام یا نهار جائی موعود بوده دیرتر از ساعت
معهود نروید که بی اعتنائی نسبت بمیزبان خواهد بود –

اظهار گرسنگی و بیطاقتی نکنید — قبل از بزرگتران در سر
سفره ننشینید (در خارجه قبل از خانمها) و بگذارید تا صاحب
منزل محل شما را اشاره نماید — نه چندان بسفره بچسبید و نه
چندان دور نشینید — تا سفره را می چینند مشغول خوردن
نان های سفره نشوید — از جلو ظروف خوراکیها نگیرید
و در سفره بچینید — در سر سفره معمولی خودتان نقطه
صدر را بملاحظات متصرف نشوید — جای خود را در هر منزلی
بدانید — غذا را با صدای کفتن نخورید — با دهن نان پاره
نکنید — نیم جویده را در سفره باز نگذارید — همیشه پیش
از مشغول شدن بغذا دست را بشوئید — دستی که آلوده
بغذاست بچیز دیگر نگذارید — بعجله و حرص غذا نخورید —
با دهن پر از غذا حرف نزنید — دهن را بی اندازه پر نکنید



چندین چیز را مخلوط باهم نخورید — بی صدا و ملایم غذا بخورید — اگر چیزی لازم دارید اشاره کنید بشما بدهند و بمیان سفره دراز نشوید — چیزی که غیر مأکول از قبیل استخوان و هسته وغیره در دهن بیاید آهسته بیرون آورده و در جائی پنهان بگذارید که اسباب بد رغبتی سایرین نشود — دست را از روی سر دیگران در گرفتن چیزی رد نکنند — همنشین خود را تا نوکر ایستاده امر بدادن و گرفتن چیزی نکنید — چیزی را که باید با قاشق بخورید با دست نخورید — چیز را با انگشت اشاره نکنید بدون قاشق و امثال آن غذا یا خورش وغیره از ظرف به بشقاب جلو خود نریزید — پشت را بیکی برای حرف زدن بدیگری نگردانید — تکه های بزرگ برندارید — خیلی مغرور ننشینید — خیلی محجوب و کوچک هم خود را ننمائید — فراموش

نکنید که احترام و حفظ حقوق انسانیت خود و مراعت شئونات
شخصی مانند احترام بسایرین لازمست — غذا را باندازه که اشتها
و میل دارید در بشقاب خود بریزید که باقی مانده پیدا نکند چون
ته مانده را هم باید نوکر و غیره صرف کنند و بخاطر بیاورید که
آنها هم انسان و با شما تفاوتی در خلقت و آفرینش ندارند و مراعت
و حقوق لازمه انسانیت در هر باب لازمست — احتیاط
کنید که چیزی از دستتان نیفتد و اگر افتاد کاری نکنید که جلب
انظار گردد یا اسباب زحمت کسی فراهم آید — برای چیزهای
جزئی از سر سفره حرکت نکنید — چندان روی شکم دولا
نشوید که با عمل هضم منافیست — اگر بجائی موعودید پیاز
نخورید و عطریات زننده نزنید — اصرار زیاد بمیهمان
در خوردن و آشامیدن نکنید — چیزی را که در اطاق می



آورند از اول تا آخر برا و خیره نگران نشوید — اگر
چیزی را میل ندارید و تعارف بشما میکنند اظهار تنفر و
دوست نداشتن آن را بطور خشونت نکنید بلکه بطور ادب
عذر خواهی کنید — در سر سفره اظهار کسالت و خصوصاً
نام امراض در وقت غذا را نبرید — بطرز خوردن سایرین ننگرید
بعد از فراغت حکایت از پر خوردن و کم خوردن سایرین نکنید
مذمت از بد تهیه شدن غذا نکنید — تعریف فوق العاده
هم نکنید — بعد از فراغت اظهار تشکر و دعاگوئی و ثنا
خوانی هم برای یک لقمه غذا نکنید همان اظهار خوشی گذشتن
وقت کافیست — دست را قبل از غذا و بعد از غذا
خوب بشوئید — بهتر شستن دست است با صابون بعضی که
کثافاتیکه در جوف ناخن و گوشت است شسته و پاک شوند

اختصاص صابونهای اینست که چون عموم صابونها
دارای مواد ضد عفونی هستند دست را که خوب با صابون
شسته شو کردند جانورهای ذره بینی که در جوف ناخنها اگر بواسطه
کثافت تولید شده باشند کشته و دور مینماید — در سر سفره
بخواندن چیزی نپردازید — قبل از بزرگتران از سر سفره
برنخیزید — چای و قهوه و امثال آنها را در نعلبکی نریزید و
صرف ننمائید — هنگام خوردن چای و غیره قاشق را از
فنجان بیرون بیاورید — احتیاط کنید که لباسهای شما
کثیف نشوند — بهتر آنست که دستمالی قبل از مشغول بنهار
خوردن شدن بروی دامن خود پهن نمائید — در سر سفره
سیگار و قلیان و امثال آنها نکشید — نفرت از تنباکو
و سیگار موجود در مجلس نکنید — چقدر قباحت دارد برای

اشخاصیکه از جیب خودشان عذر این که تنباکوی صاحب منزل بسلیقه اشان نیست از تنباکو بیرون آورده برای چاق کردن قلیان مخصوص بصدای بلند نوکر خود را طلبیده و باو میدهند هیچشک نیست که اسباب رنجش خاطر میزبان خواهد بود

فصل سیم در مجلس

با چتر یا عصا داخل در مجلس و اطاق پذیرائی کسی نشوید چون جای چتر و عصا و پالتو و امثال آن در بیرون است — بسلام تنها اکتفا نموده دست بتمام حضار ندهید — در مجلس که وارد شدید خود را جهة نشستن دفعتاً بزمین نینداخته و اگر خسته‌اید دفعتاً پرتاب نکنید — صدر مجلس را بتصرف در نیاورید جائی بنشینید که از اول تا آخر ممکن داشته باشید همان جا را دارا باشید — در تعارفات اسراف نکنید — خیلی سرد هم

نشینید — بمجرد نشستن مشغول نگریستن بحضار و بناهای
اطاق نشوید — اگر صندلی هست تنبل وار تکیه به پشت
صندلی ندهید — پاها را بر روی هم نیندازید — خیلی مشغول
بخود نشوید — هرگز شخص معتبر و بزرگی را بکسی معرفی نکنید
زیرا که باید بزرگتران کوچکتران را معرفی نمایند — مردم را
مجبور بدعوت بگوش دادن و متوجه شدن خودتان نکنید —
پرحرف نزنید — بجز با آن کسی که بلافاصله پهلوی شماست
با دیگری دراز نشوید و حرف نزنید — در مجلس نجوا نکنید
کسی را استهزا نکنید — خنده و قهقهه نکنید — خیلی از خودتان و از
کارهای خودتان حرف نزنید — حرفهائیکه غیر قابل فهم
حضار است نزنید — از امراض و گرفتاری و مصائب خود
چندان شکایت نکنید که اسباب آزردگی سایرین خواهد شد

اعتنا

از عقل و شعور و فهم و ادراک خود لاف نزنید — اگر از
اینها بهره دارید بگذارید سایرین بگویند — در مجلس حرفهای
رکیک و بیجا نزنید — در هیچ مصاف خصوصاً در نزد بزرگ
حرفهای رکیک نزنید — چیزیرا که بشما نشان میدهند بنظر
حسرت بر آن ننگرید — مطالب پولیتیکی را در کوچه و
بازار و قهوه خانه گفتگو نکنید — اغراق نگوئید — بلکه
هرچه عین واقعست همانرا بگوئید — تقلب و دروغگوئی عادت
نکنید — مال سایرین را مال خود ندانید — کسی که حرف
میزند در کلام او ندوید — ضدگوئی نکنید — دعوا جو ایرادگیر
و مذبذب نباشید — با زن اولاد و نوکر خود بملایمت
و ملاطفت رفتار نمائید — اگر نزاعی میان دو نفر برخیزد
بطور ملایمت و نصیحت و خواهش طرفین را ساکت کنید

چیزیرا که حکایت می کنید چندان شاخ و برگ بر او قرار ندهید و جای دیگر بگوئید — اصطلاحات رکیک و قدیمی را مذاکره ننمائید — مصدع برای کسی نشوید — از شوخی و ضرب المثل بیمعنی و عوامانه احتراز کنید — مطلبی را که جائی شنیدید اگر لازم نباشد نه جای دیگر و نه در منزلتان و نه در نزد بچه و نوکر بازگو نکنید — چون سینه انسان باید صندوقچه اسرار باشد آنچه در ضمیر خود دارید بمجرد طرح دوستی با کسی انداختن همه را روی دایره نریزید که کسی محرم راز و سِرّ انسان نیست — وقتی که کسی حرف میزند اظهار بیمیلی و یا بی حوصله گی از کلامات او ننمائید بلکه با تمام حواس گوش بحرفهای او بکنید — از خود و هنرهای خود و عقل و هوش و فراست و سایر صفات خود یا اعمال خیری که کرده اید یا در راه خدا بکسی انفاقی

کرده باشید حرفی نزنید — میهمان خود را اگرچه عامی و از سلک خودتان نباشد محترم و گرامی دارید و اگر ممکن است ولو کان کافر و را گوشش زد نمائید — انگشت را بدهن برای ورق زدن کتاب وغیره تر نکنید — اگر ضرری بر شما وارد آمده از روی قوت قلب تحمل کنید همیشه برادران خود را از روی کمال ادب و احترام پذیرائی نمائید — آنها را از جنس خود بدانید — بنظر حقارت بکسی ننگرید — اگر بینوا یا علیل یا کوری را ملاقات مینمائید او را لزوماً مدد نمائید — اگر کسی را غمی و المی رخ داد بحرفهای مناسب از او دلجوئی کنید — در مجلس صدر را توجه نکنید — هنگام دخول یا خروج در اطاق عجله بسبقت جستن بسایرین نکنید

سادات محترم یا بزرگان و یا اشخاص مسن باشما باشند
ساعت خود را هر آن بیک عنوان جهه نشان دادن
بطوری بیرون نیاورید — دیدنی خود را در هر مورد
بطول نیانجامانید خصوصاً اگر رسمی باشد یا در اطاق
کار کسی برای حاجتی رفته باشید — جهه برخواستن هم
موقع مناسبی باید بدست بیاورید مثلاً اگر قلیان یا
چای و غیره در کار است تا خارج نگردانند حرکت
نکنید — اگر کسی صحبت میدارد بگذارید تا صحبتش را
ختم نموده آنوقت اجازه مرخصی خواسته خارج شوید

فصل چهارم در کوچه

همیشه در کوچه بسمت دست راست راه بروید که مصادمه
بکسی واقع نمیشود — وقتی با کسی مقابل شدید نیز بطرف

دست راست خود میل نمائید چون او هم که چنین نماید
دیگر تلاقی و تصادمی رخ نخواهد داد — تنه بکسی نزنید
— اگر اتفاقاً بکسی برخوردید از او حتماً عذرخواهی کنید
— کسی را محض عبور کردن خودتان پس نکنید — اگر
در معبر تنگی واقع شدید و کسی در جلو باشد او را حکم به
ایستادن یا رجعت جهة عبور کردن خودتان نکنید بلکه
صبر کنید تا او بگذرد و آن وقت شما عبور نمائید —
بعقب سر کسی برنگردید نگاه کنید — بکهنه گی لباس
کسی نخندید — بروزگار پریشانی کسی تمسخر نکنید — چتر یا عصای
خود را بطور راحتی بگیرید که بعابرین نخورد — اگر در کالسکه کرایه
هستید که چندین نفر دیگر هم با شما باشند دخانیات
استعمال نکنید مگر در راه آهن که جای مخصوص دارد

دودی که از دهن بیرون می آید هرگز بسمت کسی
روانه نکنید — تف در کوچه و جاهای پاک نکنید — جائیکه
معبر عامست نه ایستید که اسباب زحمت عابرین شود
خصوصاً وقتیکه سواره باشید — جائیکه مردم باز دحام
خارج میشوند نه ایستید تماشا کنید — وقتیکه با کسی هستید
و او بدوست یا آشنائی سلام و تعارف میکند شما هم
هم همراهی کنید — جواب سلام دیگری را شما ندهید بگذارید
بزرگتران بدهند — شخص مسن یا عالم یا محترمی را در کوچه
برای حرف زدن نگاه ندارید بلکه سزاوار آنست که با
او همراهی نمائید — کسی را که میدانید چندان اعتنائی
باظهار انسانیت شما نمیکند شما هم نکنید — هرگز شخص
صاحب شغلی را در اطاق کارش بدون لزوم مزاحم
نشوید

نشوید یعنی وقت او را تلف نکنید — وقتیکه با کسی هستید دفعةً بدون اطلاع و چند احافظی از او جدا نشوید — سؤالات نامناسب از کسی نکنید — بواسطهٔ افراط ادب خود را مسخره و مزاحم قرار ندهید — در جائی که نشسته اید زیاده از لزوم جا نگیرید — کسی را بهانهٔ اینکه پهلوی شما جا نیست رد نکنید — جائیکه ازدحام است اصرار بداخل شدن و پس کردن مردم نکنید بلکه لحظهٔ صبر کنید تا موقع شما برسد — اگر تماشائی هست چنین نه ایستید که مانع دیدن سایرین بشوید — در کوچه بازار و جاهای عمومی نشینید — مطالب پولیتکی را در سر بازار و کوچه طرح نکنید — فضولی نکنید — خبر آر و خبر بر نباشید — با اهل و عیال مردم نگاه بد نکنید

فصل پنجم در صحبت

حرف را صحیح و واضح بزنید — کنایه نگوئید — جویده تکلم نکنید — فریاد نزنید — چندان آهسته حرف نزنید که مفهوم نگردد — چندان بلند و خشن هم حرف نزنید اصطلاحات و اسماء رکیکه استعمال نکنید — شرح و بسط برای هر چیزی قدر از ندهید که شنونده رنجیده و متنفر نمائید — در نزد حکام و بزرگان و صاحبان شغل خیلی کم بنشینید — مطلب خود را که اظهار داشتید و جواب شنیدید بر خیزید — اصطلاحات شغلی در صحبتهای رسمی خود استعمال ننمائید — اغراق نگوئید — هر چیزی را باندازه قدر او تعریف کنید — عیب کسی را نجوئید — کسی را فقط باسم ننامید بلکه سزاوار آنست که (آقا) را قبل

قبل از اسم هر کس ادا نمود — هرگز ضمیر (او) برای
شخص استعمال نکنید بلکه (ایشان) بجای کلمه
او استعمال نمائید — عادت تو گفتن هرگز نکنید
حتی با نوکر و زیردست هم مؤدبانه حرف بزنید —
غیبت از کسی نکنید — معایب کسی را اظهار نکنید
— سر کسی را افشا نکنید — آنچه می شنوید باید
خودتان بماند و تکرار نشود — اطفال و بستگان خود را
در انظار مردم پست نگیرید با آنها حرمت بگذارید —
نظر پستی با آنها ننمائید — یکی از عادات پسندیده
جمعه فارس اینست که اگر طفلی از بستگانش را هم دعوت
وارد کنند قد راست جلو او برمیخیزد و مسلم است
تمام حضار هم احتراماً للایشان همین طور مینمایند

فصل ششم در مراسلات

ورقهٔ پستی را (کارت پستال) همیشه جهة مطالب غیر مهمّه بکار برید — روی کاغذ خط کشیده یا یکبت لائی یا کوچک قطع رسمانه ننویسید — کاغذ خط کشیده برای امورات و مراسلات تجارتی و محاسبات است — کاغذ کوچک که مشهور برقعه ایست برای مراسلات دوستانه است — کاغذ مربع بزرگ نیز برای امورات تجارتی و مراسلات رسمانه مابین دو نفر همشان است — کاغذ عریضه و رسمانه باید رنگش سفید و روی کاغذ بلند قد مشهور بوزارتی باشد — تعارفات زائد ننویسید — عنوانات قدیمی را متارکه نمائید — فقط مطلب را بنویسید — اگر ممکن دارید خوش خط

بنویسید ولی الزم آنست که خط خوانا ولی بی‌غلط املائی باشد — اگر بشخص بزرگی عریضه می‌کنید اسم خود را با خلاصه مطلب در صدر بترتیب نزولی نوشته فاصله بدهید و مطلب را آغاز نمائید ولی مشروط بر آنکه موجز و مختصر و مربوط باشد

صفحهٔ آخر

اگر عریضه برای بزرگی نوشته اید و خودتان حامل آن هستید سر پاکت را نچسبانید — پاکتها را با آب دهن تر نکنید و بچسبانید هم کار زشت کثیف و هم مضر مزاج است — هرگز دعوتی را بیجواب نگذارید — کلیتهً هیچ کاغذی را بیجواب نگذارید — هرگز کاغذ را کج ننویسید — در خواندن و چه در نوشتن لغت خارجه ننویسید اگر هم می‌نویسید با اعراب و اگر خیلی غیر معمول است

معنیش را در چنین علامتی (   ) که معروف به پر
آنتز است یعنی علامت جمله معترضه بنویسید — اگر
کاغذی در سفارش و توصیه کسی مینویسید احتیاط
کنید که بجا و لایق باشد و پاکت را هم سرباز باو بدهید
— کاغذ خود را اگر دوستانه است که هیچ ترتیب معینی
ندارد و آنچه بخواهند میشود نوشت ولی اگر رسمانه است
اکتفا بکلمه جناب فلان   یا آقای فلان   ننمائید
و سر پاکت را هم بهمین عنوانات ننویسید

فصل هفتم در آداب کلیه

خلق خود را خوش کنید — با روزگار ستیزه نکنید —
سرد و گرم دنیا را تحمل کنید — در عموم شدائد صبر اختیار
کنید — حتی الامکان بردباری کنید — نوکر و اطفال

خود تا نزد غریبه ملامت و لندلند و نفرین نکنید جائی که مدعو دید اطفال خود را همراه نبرید مگر خانه منسوبان نزدیک باشد — اگر مهمان دارید اطفال خود را در سر سفره حاضر نکنید — با نوکر و زیردست خود حتی الأمکان بملایمت و ملاطفت رفتار کنید — جائی شکایت از زن و بچه و نوکر و سایر بستگان خود نکنید — زن نباید در انجمنی از شوهر یا شوهر از زن خود تعریف کند — طفل را حتی الامکان آزار و اذیت نکنید — او را هیچوجه از طفولیت بهیاکل موهومی نترسانید که رقیق القلب و جبان میشود — بخاطر داشته باشید که اخلاق بزرگی انسان بسته بتربیت و سلوک در طفولیت است با او — اطفال خود را [illegible] و ذکور را



بتحصیل خواندن و نوشتن زبان بومی خود بگذارید — یکزبان خارجه و حساب جغرافیا را بعد از آموختن زبان بومی جزء عمده تحصیل اطفال ذکور قرار دهید که برای آتیه آنها مفید واقع خواهد شد — در حضور اطفال اسم بعضی اعضاء بدن و لغات رکیکه را نیاورید — آنهارا در هیچ مجلس لهو و لعب حاضر نگردانید — آنهارا از دروغ و تقلب و دو رو و عکوسی منع اکید کنید — حیوانات را مطلقا اذیت و آزار نکنید — بار بیش از قوه هر حیوانی بر روی آن نگذارید — حمل الاغ را بیش از ۶ تا ۸ من و اسب و قاطر را از ۶۳ تا ۱۴ من بیشتر قرار ندهید که خالی از انصاف نیست — مال سواری از کسی حتی الامکان بعاریت نگیرید اگر گرفتید توجه فوق العاده باید بنمائید بواقع خود از او بکنید که آب و

علف او بموقع داده شود نه اینکه بمقصد که رسیدید حیوانرا
همانطور با دهنه تا آخور ببسته و هنگامیکه میخواهید مراجعت
کنید بسر وقت آن بروید — تصور ننمائید که حیوان هم
بدنش مرکب از گوشت و پوست مثل شماست خورد
خوراک آسایش توجه میخواهد و زبان هم ندارد حاجات
خود را بیان نماید — هرگز راضی بضرر و فنای کسی نشوید
حتی دشمن شما — حتی الامکان ناملایمات را بر خود هموار
کنید — چیزیرا که بامانت میگیرید بدون تخلف بموعد خود رد
کنید — اگر کتاب یا چیز دیگر از کسی بعاریت میگیرید نهایت
دقت را مثل آنکه مال خودتان باشد در حفظ آن بنمائید
اگر روزگار بر شما سخت میگیرد و شما هم صعب بر زیردستان
و اهل و عیال خود نگیرید — خیلی مراعات زیردستان



خود را منظور دارید — اگر کار خیری کرده اید یا احسانی در باره کسی مبذول داشته اید باز گو نکنید — هنگامیکه او را ملاقات می کنید بطور زر خریدی بملاحظه احسان جزئی که براو روا داشته اید ننگرید — کسی که اظهار دوستی و خدمت و فرمان برداری میکند این اظهارات را چه همه نوع تحمیلات براو غنیمت نشمرده بنحوی که طرف را عاجز و از جان سیر و پشیمان کنید — از درستی و صداقت و دانشمندی خود لاف نزنید — چنانچه گفته شد در جلو کودکان هرگز الفاظ رکیک و اسم بعضی اعضاء بدن انسان را بزبان نیاورید — بلکه طوری کنید که اسماء و الفاظ رکیکه حتی الامکان برای اطفال ناشناخته و مجهول بمانند

اگر

اگر در خانه صحرا یا ییلاقی کسی بدیدن میروید خیلی ملاقات
خود را بطول نیانجامانید — بدون دعوت در چنین
خانها نروید که اسباب زحمت صاحب خانه خواهد شد
— جائیکه موعودید آنجا را خانه خود هرچند بشما تعارف
کنند قرار ندهید — اگر نزد دوستی هستید از آنجا بملاقات با همه جا سر نکنید
کسی که با او خصومتی یا کدورتی دارد نروید — برخلاف
هر جا که میروید سعی کنید که بعادات خانه و صاحب خانه
رفتار نمائید — بهر چه شما را دعوت کنند اجابت کنید
— هر چه بشما دادند بخورید — چیزهای نادر و غیر موسم از
صاحبخانه تقاضا ننمائید — مختصراً با هر کسی بطرز و روش
او رفتار نمائید — چنان با خوب و بد خو کن که بعد از مردنت
جانا مسلمانت بزمزم شوید و هندو بسوزاند —



فصل هشتم پندیات مختلفه

معامله با آشنا و قوم و خویش کمتر کنید که عاقبت کدورت آورد — هرگز شوخی با بنی نوع انسانی خصوصاً بزرگتران و بعد طبقه نوکر نکنید — درستی و صحت و راستگوئی را نباید هرگز از دست بدهید — معاشرت با همه مخلوق و خصوصاً اشخاص نامناسب و فاعل افعال شنیعه نکنید — با هر کسی که دوستی کردید سعی کنید بانتهی رسانیده و دائمی بماند — واگر دوستی رفیق و بغرض شد تا عمر دارید از او دست نکشید — دوست باید در مواقع سختی و حاجت بدرد دوست بخورد — یعنی از وجود یک دیگر فیض ببرند و یکدیگر را خیالاً و عملاً تأیید نمایند —



هرگز

هرگز وقار و زرنگی خود را از دست ندهید — باید با عموم مردم حتی دشمن متعارف و متواضع بود — تکبر از جمله عادتهای بد انسان است — با مردم بملایمت سلوک و رفتار نمائید — در هر مجلس که باشد ساکت بمانید — فضولی کردن قباحت دارد — تا از شما خبری نپرسند نباید جواب دهید — مردمان خندهرا نباید بدین حقارت نگریست — اگر خدا تفضلی بحالتان کرد و بریاستی رسیدید حتی الامکان زیردستان وخصوصاً اهل بلد خودتان مساعدت و همراهی کنید نه اینکه محض افزودن استقلال و بزرگی موقتی خود هم وطنان خود را هر کدام بترتیبی طرد و نفی نمائید یا قطع حقوق آنها را نمائید — از فقرا و ضعفا و درمانده‌گان دستگیری

گیری کنید — باید بهرچه خدا عطا کرده ویکند قانع

وراضی باشید — باموراتِ زندگانی وخانه خود هرچه

هست وهر که هستید شخصاً رسیدگی نمائید — مآل اندیش

باشید — صرفه وملاحظه عقبه باصطلاح مشهور ایام

کوری وپیری را خیلی ملاحظه نمائید — اسباب تعدد

مایلزم وکفایت بیشتر فراهم نیاورید چون بار هرچه سبکتر

باشد از هر حیث نیکوتر واسلم است — بسط فوق العاده

در زندگانی اسباب هزاران گرفتاریست — اگر تاجر

شدید درصدد خریدن ملک وعقار وعلایق فوق العاده

برنیائید چون اعتبار شخص تاجر به پول نقد واسباب

رواجیه است — وسخت بپرهیزید از اقدام در عمل

قاچاق یعنی گریزندن تنخواه از گمرک ویا از طریق دیگر وارد

کردن

کردن — چو بسا اشخاصی که بمبادرت باین امر نموده و همه
عاقبت بشر و بر شکسته و مفلوک شدند — اگر وکالت
کسی را بعهده گرفتید از روی نهایت انصاف بکارهای
او اقدام نمائید که هیچ کاری از درستی عیب نخواهد
کرد — روزگار را چندان بر خود سخت نگیرید — خواهی
که سخت و سست جهان بر تو نگذرد بگذر ز عهد سست و
سخنهای سخت خویش — حتی الامکان از سر گناه و تقصیر
و خطای دیگری بگذرید که در عفو لذتی است که در انتقام
نیست — گمان مبرید که کسی بشما آسیبی یا ضرری عمداً وارد
آورد و بمکافات دهری و مجازات اخروی گرفتار
نشود — کاری نکنید که دل کسی را برنجانید —

هرگز دل موری مخراش ار نخراشی از دل بکند آه در سپهر

تر مکافات — دخانیات بهیچوجه استعمال نکنید که برای
آلات تنفس بسیار مضر است — رفتار تان را نیکو
قرار بدهید — نظر تان را بلند بگردانید — در امانت
مردم خیانت نکنید — مال مردم را مال مردم بدانید
— حق کسی را هرگز غصب نکنید — علاقه زیاد در دنیا
فراهم نیاورید — آلات زینت نکنید — جائی که
لازم است خرج کرد بکنید — حتی الامکان احسان و دست
گیری را دریغ ندارید — تا ممکن دارید و قوه و استطاعت
از هر قبیل دارید آبروی خود را از چیزی نزد هیچکس نریزید
یعنی اظهار فقر و بیچارگی نزد کسی نکنید — تا در حیات
زحمت کشیده تحصیل معاش نمائید — اوقات را به
بطالت و تنبلی نگذرانید — هر مطلب و مقصدی که عزم

کرده

گردید تا انجام بگیرد بهیچکس مساعده تا بازگو نکنید — فتنه را اگر بتوانید بخوابانید — تولید زحمت و شر برای کسی نکنید — میانه دو کس را برهم نزنید — همیشه خیالهای بلند در سر داشته باشید — خود را بمال مردم محق و مالک ندانید — مال مردم را مال مردم بدانید و از تصاحبش احتراز کنید — هرگز بیقولی نکنید — یا وعده ندهید یا وفا کنید — در هیچکاری سستی و بی دست و پائی نکنید — موقع نیکی که بدست افتاد غنیمت شمرده نتیجه مشروع ببرید — صله رحم پرستی را کنید — اگر دارا شدید و بستگان و خویشان بی بضاعت دارید بقدر قوه از آنها دستگیری کنید — اگر کاری از دست شما برآید درباره کسی کوتاهی نکنید — بجز د

این که چهار کلمه زبان خارجه آموختیمد از ذی خود خارج
نگردید و بدین و آئین خود و شعارات مذهبی خود توهین نکنید

فصل نهم در آب

آب اول مشروب مبرد و مفرح دنیاست تمام
اشیاء از او در حیات اند و از امتزاج دو گاز د نجار
مشهور به هیدرژن و اکسیژن یعنی اختلاط دو
برابر هیدرژن و یک برابر اکسیژن حاصل میگردد
آب وقتی قابل آشامیدن است که بقولات را
بخوبی بپزاند و صابون را بالتمام حل نماید و مواد
خارجی و حیوانی هیچ چه در او نباشد و بالاخره
خنک بی بو بی طعم صاف و شیرین باشد
چاه آب مشروب شما باید مخصوصاً خیلی دور از چاهای

بسیال و محل ریزش کثافات و زبل باشد و الا آب
آن متولد انواع امراض خصوصاً تب تیفوئید و باهیضه
و غیره خواهد بود و باید لزوماً سر او پوشیده باشد
و ترجیحاً بر سر آن تلمبه نصب نمائید اگر آب آشامیدنی
باین ترتیبات تحصیل نمیگردد برای آن که آب را قابل
آشامیدن نمود باید او را با اسباب مشهور بآب صافی
که با ذغال و زبل پر میشود صاف نمود و یا اگر این
ترتیب در همه جا بار ممکن نگردد و برای شما توفق نشود
بایستی آب را جوشانده و بعد از آن با آلتی او را بر نبند
که مجدداً هوا را بخود گرفته و در آن نفوذ نماید ــ
چون آب وقتیکه جوشید هوائیکه محتوی او بوده تحلیل
به بخار میگردد و آنوقت تسربش برای معده هاییکه

ضعیف و امزجه لطیف مورث سوء هضم نفخ
وغیره خواهد شد
پس سزاوار آنست که در تهیه آب مشروب در هر مورد
نهایت دقت را بکار برند خصوصاً برای سقاخانه‌ها
یا مدارس که عده کثیری از اطفال در آن جا جمع هستند
و لوازم حفظ صحت هم برای آنها فراهم نباشد —
لهذا اسلم آنست که خمرها یا ظروفی که محتوی آب
آشامیدنی عمومی و یا اطفال اند در جاهای مرتفعه ای
دهند که دست در آنها زده نشود و آب را با استعانت شیر
شیر در ظروف معین ریخته بنوشند و دهن شیر را هر روزه
با آب جوش بشویند — اگر در مدارس است هر طفلی
مخصوصاً ظرف آب خوری او شخصی و جداگانه باشد

فصل دهم در هوا

هوا سبب اصلی و جزء لازم حیات است — هر تغییری
که در مادّه او یا صافی او داده شود برای تنفّس مضرّ است
— واجب است که هوای تنفّس صاف و پاک باشد
— اسباب عمده فساد هوا نفوذ و دخول روایح
عفنه ناشره از کثافات و اجساد متلاشی شده یا
تنفّس موجودات و نباتات و یا ادخنه کارخانه‌ها
و بخاریها هستند — و بدین واسطه است که هوای
شهرها خیلی کثیف‌تر از هوای صحراها و ییلاقات است
— وقتی که انسان در شهر متمکّن است باید دقّت
مخصوصی در پاکی و تمیزی منازل مسکون خود نماید
و اطاقهای اسکنا گیرد که اشعه آفتاب که بهترین

اسباب تزکیه و تلطیف اند درا و بسته باشند — و از
منازل مرطوب و تاریک و خفه باید احتراز کلی
نمائید — منازل صحرا برای زندگانی و خصوصاً امزجه
علیله و ناقهین که خیلی محتاج بهوای پاک هستند
ممدوح است — هوای دریائی هم مثل هوای صحرا
پاک و صاف است ولی مهیج تر است و کلیه برای
دارندگان امراض یرقان ابیض خنازیر و سل
خوب است — اما هوای کوهستانی بمراتب مقوی
تر است و اسباب هیجان آن کمتر و بنابراین برای
طبایع و امزجه ضعیفه در فصل تابستان اسلم و بهتر است
— استنشاق هوای لطیف کلیةً برای هر نوع
مزاجی تعریف دارد خصوصاً وقتیکه انسان علیل المزاج



اشـ

باشد — هوای منازل را باید زود بزود و مرتباً بواسطه
باز کردن دری از درها تجدید نمایند خصوصاً در مواقعیکه
امراض ساریه شیوع دارند — و از استنشاق
نفس شخص مریض و یا از روایحیکه از رخت خواب
و لباس او ساطع میشوند باید احتراز نمود —
خاصه در وقتیکه انسان عرق دار باشد — در اطاق
خواب باید بهیچوجه گلهای معطر نگذارند خصوصاً در اطاق
اشخاصی که عصبانی مزاج هستند — چون موجب
هیجان صداع استفراغ و اکثر بیهوشی خواهد شد
— بهترین وسائل جهة تصفیه و تزکیه هوای اطاق
اینست که دو جزء متساوی از تعفین حسن لبه و تعفین
مرمکی مخلوط کرده و در قطعات کاغذ کلفت و آب

کش مانند کاغذ مرکب خشک کن مشهور در آن خیسانده
و بگذارند خشک شود — در موقع حاجت یک ورق
کوچک آنرا بسوزانند که هوا را صاف و پاک خواهد کرد ایند
— هوای استنشاق مامرکب است از ۲۱ جزء اکسیژن
و ۷۹ جزء اُزت و مقداری اسید کربنیک و بخار
آب و هر رطلی از هوا یک گرم و ۲۶ سانتیم (صدیک)
که تقریباً یک نخود و نیم باشد وزن دارد
هوای لطیف یکی از بهترین وسائل صحت مزاج است
خصوصاً برای تنمیه و ترقی بدنی اطفال —
پس در هر جائیکه ازدحامی از مردم باشد مثل در مجالس
تعزیه فاتحه عروسی تماشاخانه لازمست اتصال
هوای آنجا را به باز نمودن در و پنجره تجدید نمایند



کلیشه

کلیتهً در هر ساعتی ده متر مکعب هوا برای هر نفری در اطاق باید تجدید شود — اطاقهائیکه در آنها چندین نفر باهم زندگانی می کنند باید هوای آنها را روزی چندین دفعه خارج گردانید — اطاقهای خواب را بایستی اگر فصل اقتضا کند تمام روز درب های آنها را مفتوح گذارند — ولی در زمستان از دو بعد ظهر مانده تا دو ساعت بعد از ظهر کافی است — رختخوابها را اقلا باید روزی چند ساعت در برابر آفتاب بیندازند — شب در موقع خوابیدن باید درب اطاقهای تو در تو را تمام در یکدیگر باز کنند — عده تنفسات در هر دقیقه در اطفال چند ماهه ۴۴ و در طفل پنجساله ۲۶ و در ده ساله ۲۰ و در جوانان بالغ از ۱۶ تا ۱۸ است

مقدار هوائی که هر دفعه متداولاً استنشاق میشود نیم رطل است و در ورزش ها و حرکت ها تا سه رطل و نیم هم میرسد چون ریه تا پنج رطل هوا هم ممکن است مشتمل شود

ضخامت هوای محیط کره ما از ۶۰ تا ۷۰ هزار متر است و هر قدر که انسان صعود نماید هوای تنفس نادرتر شده تا بجائی که دیگر تنفس غیر ممکن میشود

فصل یازدهم در غذا

اغذیه انسان نباید فقط انحصار به لحوم و دسوم داشته باشند بلکه بقولات و سبزیها مدخلیت تامه دارند

— بهتر غذا آن است که مرکب از هر دو باشد —

مقوی و مغذی ترین اطعمه گوشت تخم مرغ شیر

شیر لوبیا عدس ماش سیب زمینی و
غیره وغیره اند نان گندم مرکب القوی است
یعنی دارای مواد اَزُتی و کربنی است وفقط همین
نان است با این تمام اطعمه دنیا که جای هر غذا را
ممکن است گرفته و سد جوع نماید چون اغذیه باید در
مزاج تولید ازت و کربن هر دو نمایند تا بدن را بتوانند
غذا داده و بدل ما یتحلل واقع شوند — و نان هم
دارای مواد ازتی است و هم غیر اَزُتی که کربنی باشد
— مواد ازتی تولید از همان گوشت تخم شیر
وغیره میشوند و مواد کربنی تولید از قند چربی
روغنهای نباتی سیب زمینی میوه جات و
غیره انسان زحمت کش چه جسمانی و چه روحانی



باید بیشتر از آدم بیکار غذا بخورد ولی در صورت اول
غذای او باید سبک و فراوان و در صورت ثانی
مقوی و کم حجم باشد — در سرما غذا را باید بیشتر از در گرما خورد
خصوصاً اغذیه مرکبه از گوشت و دسومیات ولی
در گرما برخلاف باید خوراکهای کربنی از قبیل سیب
زمینی شیرینی خوراکهای میوه دار را ترجیح داد
علی ای حال غذای ایشان باید مرکب باشد از نباتی
و حیوانی —

چنانچه استنباط کرده اند بدل ما یتحلل آدم بیکار باید در
بیست و چهار ساعت اقلاً دارای ۲۰ گرم (۴ مثقال)
ازت و ۳۰۰ گرم (۶۰ مثقال) کربن باشد پس با
یک ثلث من نان و ۶۰ مثقال گوشت میتوان

بدون آنکه معده را خسته گردانید تغذیه نمود

فصل دوازدهم در لباس

لباس باید تنگ نباشد — در زمستان از پارچه‌های پشمی گرم باشد ولی سبک — چون هیچ چیز بیشتر از لباس سنگین اعضا را خسته نمیکند — از چندین زیر پیراهنی و جلیقه روی هم پوشیدن بپرهیزید — یک زیر پیراهنی گرم کافی است چون وقتیکه بدن با این قسم در پارچه‌های گرم پوشیده شد جلد از اجرای عمل طبیعی خودش باز می‌ماند یعنی حرارت بدن ما بین لباس و بدن محتقن مانده و پوست از تنفس نمودن هوای لطیف باز می‌ماند — جوراب‌ها را پشمی قرار دهید — جوراب مرطوب نپوشید — اگر کفش و جوراب

شما تر شده فوراً آنها را زود عوض کنید — کفش را در
منزل که رسیدید از پا بیرون بیاورید — لباس
باندازه گشاد بپوشید که سینه بآسانی انبساط و انقباض
خود اعصاب اعمال خود و خون دوران خود را بنمایند
— در تابستان کفشهائی که کفشان نازک است بپوشید
— کلاه تنگ بر سر نگذارید — سر را خیلی داخل کلاه
نکنید — در خانه کلاه را از سر بردارید و سر را راحت
بحال خود باز بگذارید — لباسهای سفید یا رنگهای باز
و روشن در تابستان بپوشید که ترجیح دارند و هوای
حرارت کمتر خواهند — استعمال چتر برای مضرات
آفتاب گرم تابستان بسیار نافع است

فصل سیزدهم حفظ صحت

اوّل شرط حفظ صحّت آنست که انسان افراط در هیچ
امری نکند — بقدر اعتدال بخورد و بنوشد — حرکت
و ورزش چنانچه خستگی زیاد عارض نشود بنماید —
شب را زود خوابیده و صبح بسیار زود برخیزد —
زحمت زیاد از هیچ جهة بخود ندهد — شب را تمام
راحت نماید — ولی شرط اصلی حفظ صحّت مراعت
اختیار کردن منازل است — اطاقهای مرطوب
تاریک خفه و کم هوا بسیار با حفظ صحّت منافی
هستند — هوای منازل را باید اغلب تجدید نمود —
درجه هوای اطاق را مابین ۱۵ تا ۱۸ (درجه سانتیگراد)
قرار داد — تمام درها را نباید یکدفعه باز کنند که [illegible]
سرما بر گرما جاگیر شود و یا بالعکس — خود را در آغاز زم

متدرجاً باید پوشید و تدریجاً برای گرما بسبک نمود

— پاها را از سرما باید محفوظ داشت — در موقعیکه از راه

میرسید نه لباس را یکدفعه بیرون بیاورید و نه پاهای

سرد بپوشید — افراط در احتیاطات هم خطرناکست

چون مزاج را هم خیلی عادت به پرهیز نباید داد —

میوه ها را رسیده باید خورد و قبل از خوردن آنها را

خوب باید شست — آب را صاف و پاک باید آشامید

— هفته دو مرتبه اقلاً استحمام باید نمود یعنی تمام بدن را

شست و شو نمود — بهترین انواع حمامها همان حمام

مسلمانی هاست که دارای خزینه های آب گرم نیست که

انسان در آنها بتواند غوص نماید — درجه حرارت

آب نباید از ۳۵ تجاوز نماید — درصورت امکان و استطاعت

که تمام انسان مخصوص باشد یعنی خود شخص استحمام نماید

وتمام اهل بیت او که از یک خون باشند — اگر زخمی

در بدن باشد در خزینه نروند که هم برای خود انسان

بد است و هم برای سایرین — لباسهای تنگ

نباید پوشید — در موقع شیوع امراض ساریه نباید

هیچگونه تغییری در ترتیبات زندگانی اگر این ترتیبات

صحیح است داد — بیشتر از افراطات باید احتراز نمود —

بیت الخلاها را همیشه خصوصاً در اوقات شیوع ناخوشی باید

پاک و بی بو نگاه داشت — و دواهای ضد عفونی

از قبیل اسید کربلیک محلول زاج سبز محلول

دار اشکنه آهک و غیره پاشید — فرشهای اطاق را

باید هفته یکمرتبه اقلاً تکانیده و در آفتاب انداخت.

— گرد و خاک منازل را باید با جاروب تر یا پارچهای تر بر طرف نمود — زبیل و خاکروبه در خانه و کوچه نباید گذارد — کوچها را همیشه باید پاک نگاه داشت — در اطاق خواب اسباب زیاد جمع نباید کرد — بخاری منازل دیواری باشد برای آنکه بهتر از بخاریهای آهنی حالیه است — در و دیوار منازل مسکون را باید حتی الامکان هر سال با آب آهک شست و شو نمود — کف اطاقها را با محلول دار اشکنه اول شسته و بعد با دوغ آب گچ بمالند — از آن کاغذهای ضد عفونی سابق الذکر باسفند و گندر گاه گاه در اطاق بسوزانند

فصل چهاردهم

تکالیف انسان بنسبت بخود شخص



عمده

عمده تکالیف انسان نسبت به بدنش اختصاص بهمان
حفظ صحت دارند یعنی مواظبتهائیکه باید در نگاهداشتن
صحت و مزاج منظور داشت و حفظ صحت هم انحصار
بدو چیز دارد یکی طهارت و دیگری اعتدال
طهارت بمعنی تمیزی و نظافت است وگذشته از
آنکه جلوگیری از حدوث عامه امراض مینماید متابعت
باحکام شرع مبین و موجب احترام مراتب انسانیت
بالنسبه بخود و سایرین خواهد بود اعتدال یا خیر الامور
اوسطها یعنی پرهیز از افراطات است چه در اکل و
شرب و چه در سایر لذات جسمانی و هوا و هوسهای
نفسانی — پس اعتدال را قناعت نیز میتوان ترجمه
نمود — نه چندان بخور کز دهانت برآید نه چندانکه

ضعف جانت بر آید بد ایحال اشخاصیکه استعمال
خمر و سایر مشروبات الکلی و تریاک می نماید گذشته از گناهان
وارده شرب مایعات الکلی همان قدر که روح انسانرا
دخفگی تیره گی و پژمرده گی می اندازد همان قدر
هم اثر در بدن نموده قوا را رفته رفته تحلیل میبرد و وقتیکه
بدبختانه عادت گردید انسان را در مذلت کسالت پریشانی
حواس عصیان فلاکت و استیصال و مختصراً هلاکت
می اندازد درحقیقت خسر الدنیا و الآخره — ورزش
معاون حفظ صحت است بدن را قوت و لطافت میدهد
و اگر ارتیاض با آلات فلاحتی و صناعتی و غیره
حاصل نشود باید ورزش طبیعی از قبیل حرکت دویدن
شنا کردن و سایر بازیهای معمول نمود —

تکلیف

فصل پانزدهم تکلیف والدین نسبت باولاد

تکلیف پدر و مادر بالنسبه بفرزندان خود اولا حفظ و
حراست زندگانی آنهاست یعنی آنها را باید غذا بدهند
بپوشانند مسکن دهند در ناخوشیها پرستاری کنند
تا رشد نمایند و بعد از آن در آداب دینی آنها کوشش
نمایند — در تهذیب اخلاق و تربیت و تحصیل آنها
سعی وافی نمایند — آنها را بتحصیل علومی گذارند که با
عهد آنها موافقت دارد — بصراط مستقیم آنها را هدایت
کنند — از کارهای بد منع نمایند — عادت براستگوئی و درست کرداری دهند — آنها را در تقصیر بجرایم
اعمال تنبیه نمایند — بنحوی که رفته رفته تکلیف و امور
دینی و دنیائی خود پی برده بتوانند برای خود کافی و



تحصیل معیشت نموده و مراحل زندگانی را باسانی طی نماید

حقوق شما نسبت والدین خود و هم تکلیف اولاد نسبت بوالدین

اهم تکالیف طفل بالنسبه بوالدین خود احترام فرمانبرداری اطاعت شکرگذاری و محبت است زیرا که طفل آنچه دارا است از آنها است و باید بقدر قوه و امکان پدر و مادر را در امور زندگانی کمک نماید و در روزهای پیری و ناتوانی در هر نوع خدمت آنها از روی رضا و رغبت تمام بدون مضایقه فروگذاری ننماید آنها را اگر شکسته شده اند غذا بدهد بپوشاند منزل بدهد توجه کند و کلیه تا بتواند حقوق گذاری بعمل آورد که والدین از او راضی باشند که رضای آنها رضای خداوند هدی است — اطاعتی که فرزند از پدر و

مادر

مادر می نماید باید خالص و از روی صحت و حقیقت تمام باشد آنچه را که میگویند گوشزد نموده فوری اطاعت کند — مختصراً با اولیای خود باید بطور احترام رفتار و صحبت دارند — باطوار و اقوال و افعال آنها خصوصاً هنگام پیری و ناتوانی بتمسخر ننگرند — باجداد و معلّمین خود هم اطفال بهمین وظایف علی السّوی موظف اند

فصل هفدهم وطن

وطن عبارت از مملکت و آب و خاکی است که تمام جمعیتش دارای یک زبان و یک مذهب رسمی باشند و در آن شخص متولد شده باشد و آن مکان پدران و نیاکان و بوده باشد — چنانکه ایران



وطن عزیز و خانهٔ مولودی و موروثی ما ایرانیان است
خداوند نکند دار اززوالش — وطن را باید دوست
داشت حُبّ الوطن من الایمان — از برای هر
جزئی از اجزاء تمام وسعت خاکش مساویتاً باید
اولاد این وطن در مقام دفاع برآمده و در حفظ و
استقلالش جان نثاری و خون فشانی نمایند
یعنی باید خانهٔ خود را برای خود حفظ نمود — و دست تعدی
غیر را از تصرفش کوتاه گردانید — ایران از ممالک
عتیقهٔ دنیاست تواریخ قدیم همه گواهی عظمت و جلالت
او میدهند — سلاطین نامی دنیا در این خاک
سلطنت و جهان داری نموده‌اند — ایران هرگز
باین ویران آبی نبوده و چنین هم نخواهد ماند —

بازروزی باوج سعادت وترقی خود رسید

— انّ مع العسر یسری روزهای خوب دیده

بدراهم باید به بیند هر فرازی را نشیبی و هر نشیبی را فرا

فرازی درعقب است خلاصه علم ما ایرانیان

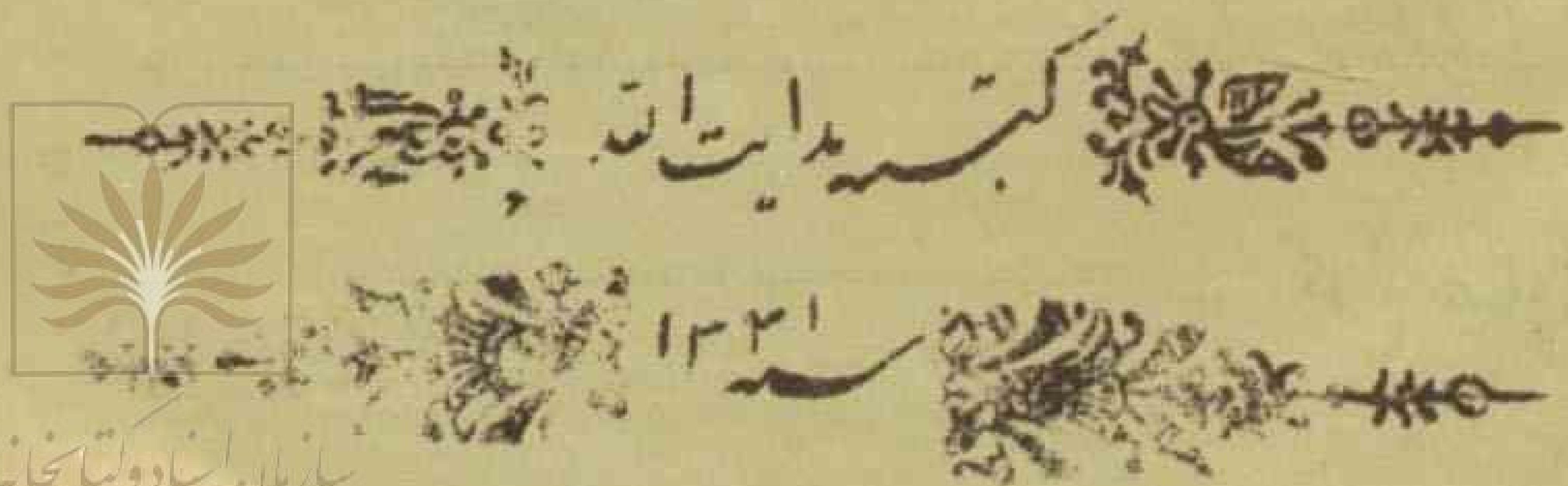
دارای سه رنگ است سبز سفید وقرمز که

علائم شرافت عدالت وشجاعت یاحریت

مساوات واخوت باشند



تمت الکتاب بتوفیق الله عزوجل



شیراز تاریخ ۱۳۳۱

از طرف ....

خدمت ....

آغاز مطلب ....

....

....

....

....

....

....

محل امضاء ....



هو

این پندیّات

از تألیفات جناب....

آقای میرزا سید علیرضا خان

مترجم السلطنه رئیس اداره تحدید تریاک

در فارس است

سنه ۱۳۳۱






سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



